

فقر و نابرابری، ۲۵ سال پس از انقلاب

جواد صالحی اصفهانی* - بخش سوم

برگردان: چشم‌انداز ایران

۵- نابرابری

فقر تنها نیمی از توضیح دوگانه‌ای است که برای نتایج انتخابات اخیر ایران داده می‌شود. بخش دیگر، افزایش نابرابری است. سیاست‌های منجر به کاهش فقر الزاماً منجر به کاهش نابرابری نمی‌شوند. در این گفتار، تحولات نابرابری در سه دهه گذشته با استفاده از دو استاندارد اندازه‌گیری نابرابری، یعنی شاخص جینی و سهم نسبی دهک بالا به دهک پایین جامعه بررسی می‌شود. نتیجه‌های یادشده برای نابرابری در سطح خانوار تنها در دهه ۱۹۷۰ موجود بوده، از این‌رو در مقایسه پیش و پس از انقلاب با داده‌های مربوط به سطح خانوار سروکار داریم.

برای سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۴ که داده‌های ثبت شده موجود بوده می‌توان نتیجه‌های نابرابری را در سطح فردی نیز - که ارجح است - ارائه نمود.

یافته‌ها نشان داده که موفقیت حکومت اسلامی در کاهش فقر، به نابرابری تسری نمی‌یابد. کاهش فقر، با آن‌که دستاورد مهمی بوده، وقتی قیمت نفت افزایش یافته و اقتصاد در حال رشد بوده شگفت‌آور نیست. کاهش نابرابری پیچیده‌تر بوده، چراکه وضعیت نابرابری ممکن است در هنگام رشد و خیم‌تر شود، مانند دهه ۱۹۷۰ که به نظر می‌رسید عایدات نفتی بیشتر به جیب طبقه ثروتمند می‌رفت. از سال ۱۹۸۴ نابرابری تقریباً ثابت بوده است. جهش نفتی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ برخلاف جهش نفتی دهه ۱۹۷۰ نابرابری را تا حدودی کاهش داده است و این نیز با دیدگاه رایج در مورد علت نتایج انتخابات مغایرت دارد.

در چین و هند نیز رشد اقتصادی بود که فقر را کاهش داد اما توزیع درآمد را نابرابرتر ساخت. این امر با نظریه مشهور کوزنتس

(Kuznets, 1955; Milanovic, 1994; Deininger and Squire, 1996)

مطابق بوده که می‌گوید، در مراحل اولیه رشد اقتصادی، نابرابری تشدید می‌شود و سپس بهبود می‌یابد. پویه (دینامیک) منحنی کوزنتس به ساختار اقتصادی بستگی دارد. اما در کشورهای صادرکننده نفت، پویه (دینامیک) این منحنی، علاوه بر تغییرات توزیع تولیدگری، به دسترسی به حق ویژه (رانت) نفتی هم بستگی دارد که خود به توزیع قدرت سیاسی وابسته است. در این شرایط، ممکن است رشد اقتصادی منجر به تشدید نابرابری هم بشود.

انقلاب اسلامی تغییر بزرگی در قدرت سیاسی در ایران به وجود آورد اما هیچ گواهی در دست نیست که نشان دهد توزیع قدرت سیاسی نیز چندان تغییری کرده باشد. حتی دو انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۹۷ (خرداد ۱۳۷۶) و ۲۰۰۵ (تیر ۱۳۸۴) هم که به نظر می‌رسید منجر به تغییرات بزرگی در قدرت سیاسی شود، بیشتر دست به دست شدن دوباره قدرت در میان صاحبان پیشین آن بود تا تغییری در توزیع قدرت. ثبات قابل توجه نابرابری در درآمد و هزینه در ۲۵ سال گذشته این حدس و گمان‌ها را تقویت می‌کند.

۵-۱- نابرابری در هزینه خانوار

همان‌گونه که اشاره شد، جهت مقایسه نابرابری در دوره پیش و پس از انقلاب می‌بایست به سنجه‌های سطح خانوار تکیه شود، چراکه تمام برآوردهای منتشر شده درباره نابرابری در سال‌های پیش از ۱۹۸۴ در سطح خانوار هستند. مقایسه مبتنی بر هزینه سرانه مرجح است، چراکه از تغییرات توزیع بعد خانوار برحسب درآمد تأثیر نمی‌پذیرد.^(۳۳) پس از سال ۱۹۹۰ با کاهش زادوولد، ترکیب خانوار هم در ایران شروع

یافته‌ها نشان داده که موفقیت حکومت

اسلامی در کاهش فقر، به نابرابری تسری

نمی‌یابد. کاهش فقر، با آن‌که دستاورد

مهمی بوده، وقتی قیمت نفت افزایش

یافته و اقتصاد در حال رشد بوده

شگفت‌آور نیست. کاهش نابرابری

پیچیده‌تر بوده، چراکه وضعیت نابرابری

ممکن است در هنگام رشد و خیم‌تر شود

انقلاب اسلامی تغییر بزرگی در قدرت

سیاسی در ایران به وجود آورد اما هیچ

گواهی در دست نیست که نشان دهد

توزیع قدرت سیاسی نیز چندان

تغییری کرده باشد

برخلاف جهش نفتی دهه ۱۹۷۰ که

نابرابری را بیشتر کرد، رشد ناشی از

تزریق پول نفت در سال‌های ۲۰۰۰ تا

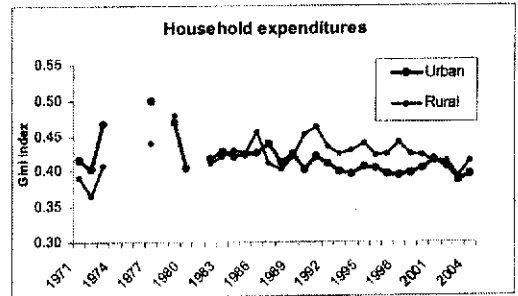
۲۰۰۴ میزان نابرابری را تغییر نداد و

حتی شاید بتوان گفت که آن را کاهش

هم داده است

به تغییر نمود. پدیده جمعیت‌شناختی متفاوتی ممکن است بر دقت ردیابی نابرابری در سطح خانوارها تأثیر بگذارد و آن مهاجرت از روستا به شهر در دهه ۱۹۷۰ است که تعداد خانواده‌های فقیرتر و جوان‌تر را در نواحی شهری به صورت ناهمگونی افزایش داد و از این راه، بُعد خانوار را در انتهای پایینی توزیع هزینه‌ای شهری کم کرد.

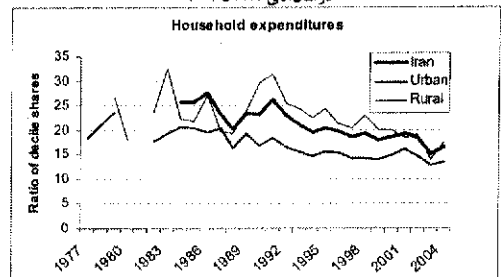
تصویر ۵: شاخص جینی نابرابری بر اساس هزینه‌های خانوار، در سال‌های بین ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۴



Source: 1971-73: Pesaran (1976); 1977-83: Behdad (1989); 1984-04: author's calculations using HIES data files, various years.

تصویر ۵ برآوردهای ضریب جینی (ضریب نابرابری هزینه‌های خانوار) را که از مطالعات منتشر شده در مورد سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۳ و از محاسبه بر داده‌های ثبت شده در "پیمایش هزینه و درآمد" به دست آمده، ارائه می‌کند. (۱۲۴) بزرگ‌ترین تغییر در توزیع درآمد در سال‌های پایانی پیش از انقلاب، در هنگام جهش نفتی دیده می‌شود (Pesaran and Gahvary, 1978). بین سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۷ شاخص جینی از ۰/۴ به ۰/۵، در نواحی شهری و از ۰/۳۷ تا ۰/۴۴ در نواحی روستایی افزایش یافت. بلافاصله پس از انقلاب شاخص جینی تا ۰/۴ برای نواحی شهری و روستایی کاهش یافت (1994) (Behdad, 1989; Nowshirvani and Clawson, 1989)، اما در دهه ۱۹۸۰ بار دیگر به آرامی افزایش یافت. تغییرات مزبور در نابرابری مشابه فراز و فرود فقر در دهه ۱۹۸۰ می‌باشد. از زمان پایان جنگ با عراق تاکنون نابرابری در سطح خانوار نسبتاً ثابت بوده است. نابرابری شهری که پیش از انقلاب بیشتر از نابرابری روستایی بود، در ۲۰ سال گذشته عموماً کمتر از نابرابری روستایی بوده است. برخلاف جهش نفتی دهه ۱۹۷۰ که نابرابری را بیشتر کرد، رشد ناشی از تزریق پول نفت در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ میزان نابرابری را تغییر نداد و حتی شاید بتوان گفت که آن را کاهش هم داده است.

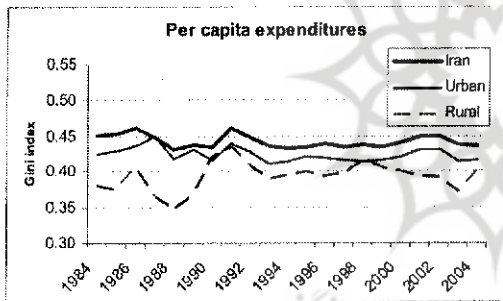
تصویر ۶: سهم ثروتمندترین دهک (بر اساس هزینه‌های خانوار) به فقیرترین دهک در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۴



Source: 1977-83: Behdad (1989); 1984-04: author's calculations using HIES data files, various years.

تحول مشابهی در نابرابری در سطح خانوار در تصویر ۶ ارائه شده که شاخصی تقریباً مهم از نابرابری یعنی سهم خانوارهای دهک بالا به دهک پایین را نشان می‌دهد. این شاخص در مورد اوائل دهه ۱۹۷۰ در دست نیست تا بتوان مقایسه را به آن دوره هم تسری داد. بلافاصله پس از انقلاب نسبت دهک‌های مزبور در خانوارهای شهری از بیش از ۲۸ به حدود ۱۸ کاهش می‌یابد، سپس در دهه ۱۹۸۰ به بیش از ۲۰ افزایش یافته، و در سال ۲۰۰۲ به زیر ۱۵ کاهش می‌یابد. نسبت مزبور در خانوارهای روستایی بیشتر از مناطق شهری تغییر کرده، یعنی وسیعاً بین ۱۸ تا ۳۲ در سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۲ تغییر می‌کند. پس از آن به زیر ۲۰ در سال ۲۰۰۰ کاهش می‌یابد. در سال‌های اولیه بازسازی، افزایش نسبت مزبور در خانوارهای روستایی منجر به بزرگ‌ترین شکاف بین روستا و شهر در ۱۹۹۲ شد و نسبت مزبور در سطح ملی را هم به بیش از ۲۵ افزایش داد. این افزایش نابرابری روستایی در طول ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲ که در تصاویر ۵ و ۶ نیز مشهود است، با ادعاهایی همخوان است که منتقدان اصلاحات در ایران درباره افزایش نابرابری بر اثر اصلاحات ارائه می‌کنند. در حالی که سایر ادعاها در مورد افزایش فقر و نابرابری شهری در دوره اخیر با این داده‌ها در تناقض است.

تصویر ۷: شاخص جینی نابرابری بر اساس هزینه‌های سرانه



Source: Author's calculations using HIES data files, various years.

۵-۲- نابرابری در هزینه سرانه

بنا به دلایلی که پیشتر بیان شد، سنجه‌های سطح فردی نابرابری، تصویر دقیق‌تری از آن ارائه می‌کنند. شاخص جینی هزینه سرانه در دوره ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۴ (تصویر ۷)، از شاخص هزینه خانوار ثبات بیشتری داشته و این به معنای آن است که نابرابری در ایران در دوره مزبور یا تشدید نشده یا بسیار کم تشدید شده است. تفاوت این دو شاخص با مشاهداتی در گذشته همخوان است که نشان می‌دادند بُعد خانوارهای فقیر در ۱۵ سال گذشته با سرعتی بیشتر از بُعد خانوار ثروتمند کاهش یافته، از این رو نابرابری در سطح فردی پایین‌تر از نابرابری در سطح خانوار می‌باشد. کسر دهک‌ها، شاخص نابرابری هزینه سرانه، نیز نشان‌دهنده ثباتی بیشتر از شاخص نابرابری در سطح خانوار می‌باشد (تصویر ۸). جالب آن‌که، نابرابری فردی برخلاف نابرابری خانواری، نشان‌دهنده آن است که در بیشتر زمان‌ها به‌خصوص در ده سال گذشته؛ نابرابری در شهر بیشتر از روستا بوده است.

جدول ۶: متوسط میزان رشد سالانه هزینه‌های سرانه واقعی به تفکیک دهک‌های سرانه (ایرانی، شهری، روستایی)

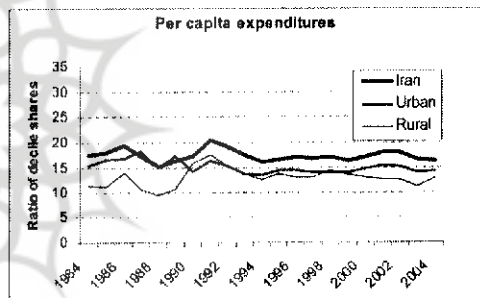
Decile	Iran			Urban			Rural		
	1984-89	1990-04	1984-04	1984-89	1990-04	1984-04	1984-89	1990-04	1984-04
1	-4.28	4.58	2.35	-9.27	4.71	2.02	-2.21	4.42	1.93
2	-4.01	4.18	2.36	-8.16	4.58	1.70	-2.16	3.71	1.95
3	-4.06	4.10	2.35	-7.94	4.56	1.60	-2.07	3.34	2.01
4	-4.52	4.18	2.34	-7.71	4.68	1.55	-2.16	3.14	2.04
5	-4.74	4.30	2.35	-7.43	4.71	1.55	-2.30	3.02	2.10
6	-5.12	4.35	2.30	-7.59	4.75	1.49	-2.42	3.02	2.19
7	-5.42	4.34	2.25	-7.79	4.68	1.43	-2.62	2.95	2.28
8	-5.96	4.35	2.16	-7.90	4.57	1.31	-2.81	2.68	2.34
9	-6.45	4.39	1.99	-7.95	4.63	1.31	-2.70	2.55	2.45
10	-7.19	4.46	1.74	-7.67	4.46	1.29	-3.47	2.64	2.49
Total	-6.03	4.37	2.05	-7.80	4.58	1.40	-2.79	2.86	2.31

Source: Author's calculations using HEIS, various years.

درخور تحقیق بیشتر است.

۵-۳ نابرابری درآمدی

تصویر ۸: سهم ثروتمندترین دهک براساس هزینه‌های سرانه به فقیرترین دهک در سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۴



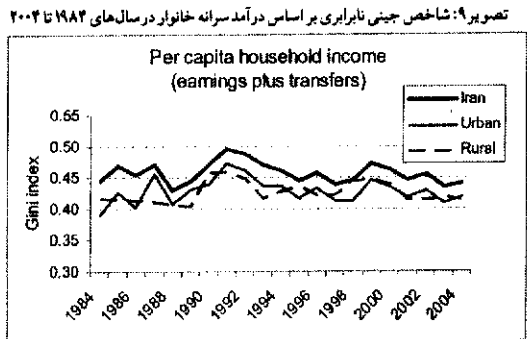
Source: Author's calculations using HEIS data files, various years.

روش مستقیم‌تر برای نشان دادن تغییرات نابرابری در میان افراد، سنجش میزان (سرعت) رشد هزینه‌های سرانه در دهک‌های متفاوت هزینه سرانه می‌باشد. جدول ۶ نشان می‌دهد که در طول سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۴ وضعیت افراد دهک‌های پایین بیشتر از دهک‌های بالاتر بهبود یافته است. در کل کشور، پایین‌ترین دهک در دوره افول اقتصادی ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۹ آسیب کمتری دیده و در دوره بازسازی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴ نیز کمابیش همین وضع را داشته است. ولی داده‌های ملی، روند‌های واگرایی شهری و روستایی را نشان نمی‌دهند. افراد شهری که در پایین‌ترین دهک قرار دارند آسیب زیادی دیده‌اند و در دوره ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۹ سالانه ۹/۳ درصد نزول داشته‌اند. البته وضعیت آنها در دوره بازسازی و کللاً در ۲۰ سال گذشته بهتر شده است. در مقابل، روستاییان پایین‌ترین دهک، در دوره افول آسیب کمتری را تجربه کرده‌اند یعنی ۲/۲ درصد در سال نزول داشته‌اند و همین‌طور در طول دوره بازسازی نیز دارای رشد ۴/۴ درصدی بوده‌اند. این مشاهدات با نتیجه‌گیری پیشین در مورد این که درآمد روستاییان عموماً ثبات بیشتری داشته و از شوک‌های اقتصادی کمتر تأثیر پذیرفته، مطابقت دارد. نفس تفاوت روند‌های مصرف فقیرترین دهک‌های روستایی و شهری در دوره ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۹ مشاهده‌ای جالب و

برای سنجش فقر و توزیع درآمد، سنجش‌های مبتنی بر مصرف، عموماً بر سنجش‌های مبتنی بر درآمد، به چند دلیل ارجحیت دارند؛ نخست این‌که بسیاری از افراد در هنگام پاسخگویی، اطلاعات مربوط به مصرف را راحت‌تر از اطلاعات مربوط به درآمد در اختیار می‌گذارند، بخصوص هنگامی که به سؤالاتی جزئی درباره مصرف همانند سؤال‌های "پیمایش هزینه و درآمد خانوار" پاسخ می‌گویند. دوم این‌که درآمد خویش فرمایان و کشاورزان در کشورهای در حال توسعه با صحتی کمتر از دستمزد و حقوق، گزارش می‌شود چون نیازی به ثبت صحیح آنها نیست. در نتیجه، برآورد سطح نابرابری در هر سال براساس درآمد صحتی کمتر از برآورد نابرابری براساس مصرف داشته، اما داده‌های درآمد نیز مثل داده‌های هزینه، برای تعیین روند، پایاتر (قابل اطمینان‌تر) اند چرا که نواقص مطرح شده درباره آنها در تمام سال‌ها به یک سان مطرح است. بررسی داده‌های درآمد از آن رو با ارزش است که این امکان را به ما می‌دهد تا میان نابرابری در کسب درآمد و نابرابری ناشی از پرداخت‌های انتقالی تمایز قائل شویم و ببینیم آیا پرداخت‌های انتقالی، نابرابری را تخفیف داده یا نه؟ و آیا افزایش تحصیلات افراد در دوده‌های اخیر نابرابری در کسب درآمد را کاهش داده یا افزایش؟ تحلیل نابرابری درآمدی صرفاً در مورد دوره ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۴ که داده‌های آن وجود دارد، انجام می‌شود. هیچ برآوردی از نابرابری درآمدی در سال‌های پیشتر وجود ندارد.

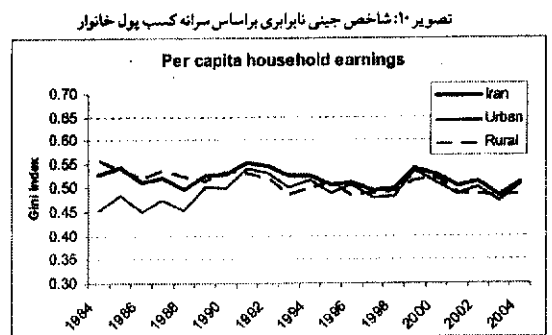
روند و نیز سطح نابرابری درآمد سرانه و درآمد خانوار (اعم از کسب درآمد و پرداخت‌های انتقالی) به صورت شگفت‌آوری مشابه ارقام به دست آمده از هزینه‌هاست (تصاویر ۹ و ۱۰). تغییرات شاخص‌های جینی درآمد‌های روستایی و شهری در کوتاه‌مدت از یکدیگر پیروی نموده و روند کلی آنها ثبات آن دورا نشان می‌دهد. تغییرات نابرابری درآمدی مثل تغییرات نابرابری هزینه‌ای پیام خاصی در بر ندارد. در آغاز دهه ۱۹۹۰ (۱۳۶۹) که درآمد‌های نفتی افزایش پیدا کرد و کشور زیر بار

استقراض سنگین خارجی کمر خم کرده بود، افزایش بازاری در نابرابری دیده می‌شود. در سال ۱۹۹۹ هم که درآمدهای نفتی به کمترین مقدار خود در ۲۰ سال گذشته رسید شاهد افزایش مختصری در نابرابری هستیم. اما جهش نفتی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ به نفع کاهش نابرابری در ایران بوده است.



Note: Total household income, including monetary and in-kind transfers.
Source: Author's calculations using HEIS data files, various years.

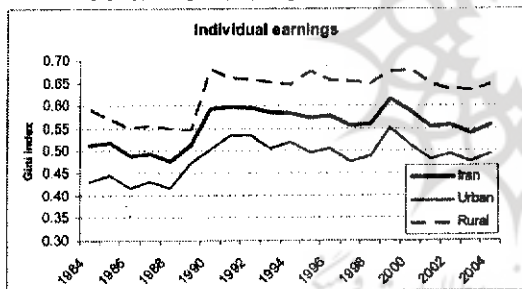
سطح نابرابری در سرانه کسب پول خانوار (تصویر ۱۰) به نحو جالبی نشان می‌دهد که نابرابری در کسب پول به‌طور چشمگیری بیشتر از نابرابری در هزینه‌ها و درآمدها می‌باشد. شاخص جینی برای افراد شهری در سال ۲۰۰۴ برای هزینه سرانه برابر ۰/۴۲، برای درآمد سرانه برابر ۰/۴۳ اما برای سرانه کسب پول خانوار برابر ۰/۵۱ می‌باشد. حال اگر مقایسه خود را به نابرابری میان افراد کسب‌کننده پول (تصویر ۱۱) به جای سرانه کسب پول خانوار محدود کنیم، سطح نابرابری در کسب پول حتی از این هم بیشتر خواهد شد. نابرابری در کسب پول میان افراد روستایی بسیار بیش‌تر از افراد شهری است (در سال ۲۰۰۴ این رقم در افراد روستایی ۰/۶۵ و در افراد شهری ۰/۵ بوده است). در حقیقت نابرابری درآمدی در مناطق شهری چه با سرانه کسب پول خانوار سنجیده شود و چه با کسب پول افراد، نتیجه یکسانی دارد، اما در نواحی روستایی چنین نیست. افزایش نابرابری افراد در کسب پول پس از پایان جنگ در ۱۹۸۹ کاملاً قابل توجه است. آنچه جالب بوده این است که افزایش نابرابری در هزینه‌ها و درآمدها کمتر از نابرابری افراد در کسب پول نمایان است و این نشان می‌دهد با تنوع بیشتر در راه‌های کسب پول در پی اصلاحات بازار در دهه ۱۹۹۰، انواع پرداخت‌های انتقالی و درآمدهای غیرشغلی به تعدیل نابرابری ناشی از اصلاحات مزبور کمک کرده است.



Note: Earnings include income from wage and salary work and self employment.
Source: Author's calculations using HEIS data files, various years.

به‌عنوان خلاصه نتایج مربوط به نابرابری، می‌توان گفت که شواهد ارائه شده در این گفتار نشان می‌دهند که از یک‌طرف رشد اقتصادی ده سال گذشته و حتی جهش نفتی در نیمه دوم آن به کاهش نابرابری کمک کرده، یعنی فواید آن به همه افراد کمابیش یکسان رسیده است. از طرف دیگر بر خلاف فقر پیشرفت چندانی به سمت برابری بیشتر در سال‌های پس از انقلاب و با اجرای سیاست‌های بازتوزیعی دیده نمی‌شود. در سطح خانوار، شاخص جینی در سال ۲۰۰۴ تقریباً با سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ برابر است. در سطح فردی نیز ثباتی نسبی در طول ۲۰ سال گذشته دیده می‌شود. اثر انقلاب صرفاً معکوس نمودن روند افزایش نابرابری‌ای بود که در اواخر دهه ۱۹۷۰ پدید آمده بود. گویی نابرابری کلی در ایران نه تنها در برابر تغییر سیاست‌ها، که حتی در برابر انقلاب نیز مقاومت کرده است. شاید درسی که از این مشاهدات می‌توان گرفت این باشد که نابرابری، برخلاف فقر، ساختاری‌تر و لذا مقاوم‌تر است؛ حتی یک انقلاب اجتماعی هم اثر چندانی بر آن ندارد، چه رسد به تغییرات جزئی‌تر در سیاست‌ها. شکی نیست که انقلاب، جایگاه اقتصادی افراد بسیاری را تغییر داد که در برخی موارد با خشونت نیز همراه بود، اما از آنجا که نردبان اقتصادی که افراد سرانجام بر روی آن جای می‌گرفتند یکسان ماند، در نتیجه توزیع نیز تغییر نکرد. افراد دیگری بر پله‌های بالای نردبان ایستادند اما خود نردبان تغییری نکرد.

تصویر ۱۱: شاخص جینی نابرابری بر اساس کسب پول فردی



Note: Earnings include income from wage and salary work and self employment.
Source: Author's calculations using HEIS data files, various years.

* استاد دانشگاه ویرجینیا، گروه اقتصاد، اوت ۲۰۰۶ (مرداد و شهریور ۱۳۸۵)

پی‌نوشت‌ها:

۲۳- این اختلاف در مناطق روستایی قابل توجه است: ضریب جینی تخمین زده شده برای مصارف خانوار روستایی توسط بهداد (۲۰۰۰) در سال ۱۹۸۴ برابر ۰/۴۳ بوده که از آنچه من بر اساس داده‌های ثبت شده در برابر مصرف سرانه استخراج نمودم بسیار بالاتر بوده است.

۲۴- نارضایتی متداول در استفاده از داده‌های HEIS برای مطالعه وضعیت فقر و نابرابری در ایران این است که این آمارها درآمد و مصرف طبقه بالای جامعه را کمتر نشان داده است. از آنجا که چنین تخمینی درباره طبقه فقیر نیز وجود داشته، از این رو خطا در تخمین نابرابری چندان زیاد نخواهد بود. در هر حال، تخمین نابرابری در یک زمان خاص ممکن است از خطا در اندازه‌گیری تأثیر پذیرد، اما با مقایسه در یک بازه زمانی این تأثیر بسیار کاهش می‌یابد، چرا که روش جمع‌آوری داده‌ها در این بازه هم چنان ثابت مانده است.